



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: متن قوانین - تصویبنامه‌ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی
اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامه‌ها - بخش نامه‌ها - آگهی های رسمی و قانونی - سؤالات -

شماره تلفن: ۸۸۹۴-۸۸۹۵ - ۸۸۹۶-۵۴۴۸

سال چهارم - شماره ۱۱۴۵

صفحه ۳۹۱۰

میر: سید محمد هاشمی

۵ شنبه ۳۰ دیماه ۱۳۲۷

قانونگذاری دوره پانزدهم

شماره مسلسل ۱۶۶۳

روزنامه یومیه

فهرست مندرجات

- ۱ - بقیه صورت مشروح مذاکرات صدوسی و پنجمین جلسه دوره پانزدهم از صفحه ۱ تا ۳
- ۲ - آگهی های رسمی

مذاکرات مجلس

بقیه جلسه ۱۳۵

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز ۵ شنبه سی ام دیماه ۱۳۲۷

فهرست مطالب:

- ۱- بیانات قبل از دستور آقایان: اردلان، مهندس رضوی
- ۲- تقدیم لایحه راجع بتاسیس صندوق تعاونی روستائی و انجمن های کشاورزی و استرداد لایحه قبل از طرف آقای وزیر کشاورزی
- ۳- طرح استیضاح آقای عباس اسکندری
- ۴- تعیین دستور موقع جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس یکساعت و بیست دقیقه قبل از ظهر بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید.

رئیس - جلسه قبل بمنوان تنفس ختم شده صورت مجلس نیست چند نفر از آقایان اجازه خواسته اند قبل از اینکه وارد دستور بشوم بیاناتی بکنند آقای اردلان هم اجازه خواسته اند

نمایندگان - دستور

۱- بیانات قبل از دستور آقایان: اردلان و مهندس رضوی

اردلان - بنده مخالفم و از آقایان نمایندگان محترم استدعا میکنم از روی ساعت بقدر ۱۵ دقیقه مطلب مهمی را بعرض آقایان برسانم از آقای طباطبائی تجدد معاون محترم آقای نخست وزیر نمیی میکنم در این موقع که آقای نخست وزیر تشریف ندارند مطالبی که عرض میکنم چون مربوط بشخص ایشان و دولت ایشان است بادداشت بفرمایند و بعرض ایشان برسانند

موقمی که جناب آقای ساهمد قبول نخست وزیری فرمودند من در اطاق رئیس محترم مجلس شورای ملی حضورشان رسیده عرض کردم که من يك درخواستی از حضورتان دارم و آن این است که در مسائل اقتصادی قبل از آنکه يك تصمیمی بگیرد مخصوصاً مسائل اقتصادی که در شئون اجتماعی تأثیر دارد این را بيك شورای اقتصادی مراجعه بفرمایند و پس از اینکه نظر آن شورای اقتصادی را جلب فرمودید آنوقت تصمیمی اتخاذ بفرمایید که این تصمیمات ناهنگام سدهای وضع اقتصادی کشور ما نزنند این مرضی بود که خدمت ایشان کردم و ظاهراً هم مثل این بود که پذیرفتند مرض بنده را ولی صلا دوروز قبل دیدم که در روزنامه ها، در روزنامه اطلاعات و سایر جراید

تصویبنامه ای از هیئت وزیران صادر شده است بتاريخ ۲۰ دیماه ۱۳۲۷ که این تصویبنامه در تمام شئون اجتماعی ما تأثیر دارد و صددرصد بزیران کشور است دو مطلب است که بنده در این تصویب نامه باید توضیح عرض کنم قسمت اولی تغلفی است که از قوانین کشور در این تصویب نامه شده است و قسمت دوم زیانی است که از این تصویب نامه عاید کشور ما میشود اما در قسمت اول که عبارت از تغلف از قوانین موجوده مملکتی است در ششم دیماه ۱۳۲۴ قانونی از مجلس شورای ملی گذشت که فقره سوم از ماده واحده این قانون ۶ دیماه ۱۳۲۴ بشرحی است که بنده میخوانم: دولت یا نمایندگان او نمی توانند بدون تصویب مجلس شورای ملی تقاضای تغییر برابری ریال نسبت بیول کشور های عضو صندوقهای بین المللی را نموده یا با چنین تغییری موافقت نمایند بنابراین اگر هر دولتی مایل باشد که نرخ برابری ارز را بریال تغییر بدهد باید با تصویب مجلس ایران باشد (صحیح است) مستقلاً و مستقیماً اگر چنین اقدامی کرد نقض کرده است قانون مصوبه مجلس شورای ملی را (صحیح است) در ماده اول تصویبنامه ۲۰ دیماه ۱۳۲۷ دولت می نویسد: بانک ملی ایران مجاز است علاوه بر گواهی نامه هایی که خریداری میکنند در مقابل ارزهایی که در اختیار دارد گواهی نامه ارز به میزان لازم برای رفع احتیاجات واردات بنرخ روز فروخته وجوه حاصله را بحساب مخصوص بگذارد

دیوان کشور را در اردیبهشت برای رسیدگی باین تخلفات در نظر گرفته شده بود این اداره ذو حیاتین پس از تأسیس که نخستین بار افتخار ریاستش بامین آقای بوذری دوست من بوده است کار همه وسایع این بر خلاف مقررات خواستن و یرونده های مهم از معاظم و نگاهداشتن آن و اعمال نفوذ در کلیه معاکم و پارت که با او بوده است بینی و بین الله در انجام او امروزی رزای وقت و حتی شهربانی که خود از ضابطین دادگستری محسوب است ذروای دروغ و مدارا نشده و این وضعیت ادامه داشت تا زمان وزارت جناب آقای بهاء الملک فراز لو آن مرد که بعد از وقایع شهریور وزارت دادگستری منصوب شد این رویه را متروک گذاشت .

پوزین - بسیار مرد شرافتمندی است .

رئیس - آقای مهندس رضوی تأمل فرمائید

اکثریت نیست ، دقیقه هم شده است .

بعضی از نمایندگان - دقیقه بیشتر

شده است .

(پس از چند لحظه اکثریت حاصل شد)

رئیس - فرمائید .

مهندس رضوی - آقایان نمایندگان من

خواهش میکنم این موضوع را از کسانی که از زمان

بهاء الملک بعد عهده دار ریاست اداره نظارت

وزارت دادگستری بوده اند و بترتیب عبارتند از آقای

حسین نقوی معاون سابق وزارت دادگستری و رئیس

فعلی شعبه دیوان کشور و آقای عبدالباقی جمشیدی

معاون ایشان (حائری زاده مرحوم شدند) که بعد از رئیس

اداره نظارت شدند و مکرر وکیل همین مجلس شورای

ملی بوده و فعلاً مستشار دیوان کشور است آقای احمد

اشتهاردی معاون ایشان که بعد از عهده دار است اداره نظارت

شد و فعلاً مستشار دیوان کشور است و آقای مصطفوی

معاون آقای اشتهاردی که فعلاً عهده دار ریاست اداره

نظارت میباشد و همه اینها از مردمان شریف این

مملکت هستند سؤال کنید آیا هیچوقت پرونده ای

در حین رسیدگی از دادگاه یا شعبه باز پرس

گرفته میشود ؟ (حاذقی - آقای نبوی میفرماید

بلی) همیشه طرح شکایتی برای رسیدگی وقتیکه

پرونده جنبه جزائی هم نداشته باشد تازه موصول

میشود باینکه پرونده در قسمت مخصوص بخود

جریان قانونی را طی کرده باشد و در بعضی موارد

بازرس قضائی عضو اداره نظارت بمعینه حقوقی

میرفته و پرونده را ملاحظه میکردند است و حتی در

دوره دیکتاتوری هم خیال نمیکنم اتفاق افتاده

باشد که پرونده را از دیوان کشور گرفته باشند و

باعمال نفوذ خود در سایر دادگاهها در آن موقع

اکتفا میکردند ، آقایان میدانند موقی یک حکمی

بر خلاف میل اولیای امور وقت از دیوان کشور

صادر شد و اگر حافظه بنده خطا نکند . ولا بد حافظه

آقای دکتر متین دفتر دفتری خطا نخواهد کرد یکشنبه

از دیوان کشور را منحل فرمودند (دکتر متین

دفتری تکذیب میکنم) بطوری که عرض شد برطبق

ماده ۲ قانون اصول تشکیلات عدلیه رسیدگی بشکایات

از مأمورین قضائی با اداره مزبور است که در صورت

بروز تخلف ادعا نامه برای او تهیه و در محکم

حالی انتظامی طرح میشود ، حالا آقای بوذری دوست

عزیز من میفرماید که شکایتی از قضات از طرف آقای

حسین نفیسی شده بود از این جهت پرونده را گرفتم با فرض اینکه این اظهار آقای بوذری صحیح باشد و با فرض معال که بتوان پرونده را از دیوان کشور گرفت آقای بوذری بفرمائید ببینم این آقای مبینی معاون بازرسی کل کشور که فرموده میاید مأمور تهیه گزارش نسبت به پرونده شده چه سستی برای رسیدگی بتخلفات قضات آنهم قاضی دیوان کشور داشته باشد دارد ؟ آیا غیر از این است که آقای مبینی تنها بملطف شما آقای بوذری متکلی میباشد ؟ (صحیح است) اگر گرفتن این پرونده از طریق مشروع و مجاز بوده فرمائید . با کدام رسید . با کدام دفتر اداره نظارت یا شخص صلاحیت دار دیگری این اقدام شده کدام اثر کتبی از این کار باقی است ؟ جز این که تماماً بامر معاون وزارت دادگستری و بدون کوچکترین اثر کتبی انجام شده در صورتی که برای گرفتن یک پرونده خلاقی یا هزار ریالی از یکی از دادگاههای بخش رسید از طرف مأمورین صلاحیت دار داده می شود و موضوع کتیباً منمکن میشود میفرمائید شنیدم این پرونده نقض بلاراجع شده و حس کتیب کاری من یعنی معاون وزارت دادگستری تحریک شد که آنرا بگیرم . خیر اینطور نیست . آقای بوذری مسلم است این پرونده زائد بر ۲۰ روز خدمت جناب عالی بوده و داستان نقض بلاراجع شدن آن بعد مطرح و بعداً باین صورت مجلس نمائی گفته شده است در اثر اقدام جناب عالی همان طوری که بنده شنیده بودم گزارش پرونده را آقای دکتر قاضی تهیه کرده بودند ولی اشتباه کرده بودم زیرا تهیه کنندنده گزارش آقای صفی نیا بودند اما آیا این جزئی اشتباه من اصل مطلب را از نظر ملت ایران خواهد بوشانید؟

اماراجع باحضرعظیمیا وانصاب آل محمد خیال میکنم توضیحات خود آقای بوذری بهترین ادله اثبات اظهارات من است و من جزئی از آنچه میدانستم در مجلس اظهار کردم زیرا علاوه بر آنهاییکه در داخل مرزها باین مطالب توجه دارند در خارج از این کشور هم میشنوند و من نخواستم پرده را از عملیات بعضی از آقایان آفتور بردارم که در مقابل ملت های زنده تحصیل کرده های ما نتوانند سربلند بکنند من نخواستم و نخواهم کرد ولی بآنچه در عالم مقدس است و برای من مقدس تر از مذهب اسلام و قانون اساسی چیزی نیست بهر دو آنها سوگو کند میخورم که اگر همین اظهارات من نبود عظیمیا بعمل مأموریت خود بر نیکنست و آل محمد هم بمقراموریت خود بشرجه که عرض شد نیرت زیرا خود او هم گفته بود که همین دوروزه هازم حکم هم در شرف صدور است . اخیراً در وزارت دادگستری جریانهای می بینم و میشنوم که احساس میکنم میخواهند اساس مشروطیت ایران را از بین ببرند (مکی - اسم بربیده) آقایان وقتیکه آقای شمری قضائی تحصیل کرده شجاعی را با سوابق منته سکه مشاغل مهم را در نقاط همه این کشور مهده دار بوده و بتجربالرئیس دیوان جنائی مرکز بوده ...

یکتفر از نمایندگان - با تقاضای خود ایشان

بوده است ..

حاذقی - آقای رئیس اساس مشروطیت ایران

ازین میبود وقتیکه مجلس شورای ملی کار نکند

رئیس - تا آئین نامه را درست نکنید

هیچطور است .
مهندس رضوی - ... ظاهر ا با تقاضای خود ایشان زیرا معلوم است که در معیط خلاف قانون مردمان با شرف گاهی بطوری از بین میروند که تاب مقاومت نمیآوردند البته شمری تقاضای استراحت میکند و بازرس ویژه میشواید بشود ، همه شمری ها باید بازرس ویژه بشوند یعنی بیکاره بشوند (مکی - قاضی لیستر بود) بلیه قربان من میخواهم جزئیات را در این جا شرح بدهم آقایان اینست وضع کار دادگستری یعنی بناهنگامه صفاه در مملکت ماری نظر اینجانب رویه ای که اکنون شروع شده برای تشکیلات قضائی مملکت و بیچارگانیکه در دست هوس و ازاده اقویا قرار دارند و شما میدانید که صدی نود و پنج از ملت ایران را صفاه تشکیل میدهند من احساس میکنم که با این روش آینده بسیار وحشتناک و هولناکی برای این کشور در جلو خواهیم داشت بپایند و نشان بدهید که نمیخواهید دستگاه مصنوعی عدالت داشته باشید . بیائید و هیئتطور که دوست من آقای بوذری تقاضا کرده اند فوراً باین موضوع رسیدگی بشانید و ملت ایران را رهین منت خود فرمائید . من شرمند هستم که باید بکسی که سی سال با او سلام و علیک و دوستی داشته ام حمله کنم ولی من بآقایان عرض کردم من وکیل مردم گرسته ویا برهنه هستم من ناچارم جائی را برای احقاق حقوق آنها بگیرم که اثر مثبت داشته باشد . چه فایده دارد که من یک انباردار دزد را از کرمان جابجا کنم مگر نه اینست که آن انبار دار بیچاره بدبخت باید بشنواود خود نان بدهد و شاید جواب رئیس مربوطه را هم شب با اسکناس امیر خسروی بدهد پس این چه فایده دارد که من وقت خودم را صرف اینکار ها بکنم . باید کاری کرد که اساس وریشه خرابی مملکت از بین برود (حاذقی - آقای رئیس ملاحظه فرمودید که ایشان راست نمیگویند گفتند که بنده دقیقه میخواهم صحبت کنم و الان نیساعت است و آقایان خسته میشوند و یامیشوند میروند وظلیقه بنده اینست که عرض کنم در اروپا که بودم می شنیدم که کار بریار ملت را بیک ورزشی بسیار خوبی برای سیاست است بنده که البته هیچ سیاسی ندارم ولی آقای طباطبائی را هم اصلاً نمی شناختم یعنی ایشان را شاید یکماه قبل از اینکه معاون بشوند در یک جائی بمصادف که ایشان کار دیگری داشتند و منم کار دیگری داشتم در یک محضری یعنی محضر هم نبود در نزد وکیل عدلیه ای که بنده آنجا بودم و ایشان هم آنجا بودند ...

رئیس - یکقدری تأمل کنید اکثریت نیست

(پس از چند لحظه اکثریت حاصل شد) فرمائید

مهندس رضوی - عرض کنم که ایشان

چون پارلمانتر بودند تشخص دادند که بنایند ملت ایران گفت که هیچ نیست و همه چیز درست است اینجا یک جمله ای گفتند که من از نظر حسن نیت دولت میخواهم اتقا سند بکنم . گفتند امیدواریم و سعی میکنیم که وضع دادگستری ما بسیار بهتر بشود این جمله برای من هم قیمت داشت متأسفم که من یک شخصی را که بیشتر میشناختم بیشتر مربوط بودم از تجربه بعضی از اشخاص و تجربه رئیس الوزا تجربه نگرفت خیال کرد با داشتن وکیل و همی کمک کردن

بدوستان ایشان میتواند توی این مملکت هم زندگی بکنند و هم شرافتمند باشد اما این را هم بگویم که من نخواستم بگویم که بوذری گرسته بود و خدای نکرده اخلاف شرافت در تمام دوره زندگیش رفتار کرده اینکه گفتم گرسته بود و بخود او هم نوشتیم این افتخار او است منظورم این بود که از مردم آمدی و درد مردم را میدانی اوهم مثل این دکتر سجادی است این دکتر سجادی هنوز پدرش زنده است این آقای فخرشادمان که اینجا بود پدرش زنده بود او اعتبار کرد یعنی ملتفت نشده که یکقدری بدرد کسانی بخورد که آنجا خانه پدرش میآیند منظورم هم این نیست که حالا از آقای دکتر سجادی که اینجا هستند زیاد تعریف بکنم مقصودم اینست که یک مردی است که پول مملکت را گذاشتند زیر دستش که مخارج راه بکنند نگذاشتند که تظاهرات وحقه بازی و سوء استفاده بشود .

حاذقی - خدا ما را نجات بدهد پس است این حرفها بچه درد میخورد .

رئیس - پس است که باید این آئین نامه را اصلاح کرد .

مهندس رضوی - آقای بوذری هم اینطور آدمی بوده و من میل دارم که بعد از این هم او را هیئتطور بشناسم (یکی از نمایندگان - انشاءالله) و امیدوارم که خود ایشان متنبه بشوند و یله معاونت وزارت دادگستری را بنبغ ملت بردارند . از پرورد بنده دو تلگراف دارم جملاتش را نمیخوانم یکی از آنها بمضای وکلای دادگستری بروجد است اسمایشان رامیل دارم در صورت مجلس باشد فروز ، جواد افتقی تقاضی میکنم با اجازه مقام ریاست من این تلگراف اگر اجازه فرمودند یا اگر اجازه نفرمودند اسمی این اشخاص را بخوانند تا معلوم شود که اینها کسانی هستند که عدلیه حقیقی میخواهند همه و کلای بروجد و بعد طبقات زیادی از مردم بروجد ملایر و غیره بن تلگراف کرده اند و من میخواهم عرض کنم که آقا منم قدر رفاقت هارا میدانم بنده از اطلاعات خودم برعلیه اشخاص استفاده نمی کنم بنده اگر میخواستم بکنم خیلی حرفها مبیایست بزنم ، خیلی حرفها ولی نخواستم بگویم من آن چیزی را میگویم که فقط بدرد ملت ایران بخورد ، نه از نظر خودم و نه از نظر طرف از هیچکدام فضاوت نمیخواهم بنده اعتراض به پرونده آقای قشائی هم داده بودم و چون اعتراض دارم بهیچوجه اعتراض خودم را پس نمیگیرم اگر درغیاب من مطرح شد بوسیله جرائد نظریات خودم را اعلام میکنم .

رئیس - آقای ارپاب مهدی هم میخواهند صحبت کنند بفرمائید (همه نمایندگان) ایشان مکرر تقاضا کرده اند بگذارید چند دقیقه صحبت کنند

مهدی ارپاب - بنده موقع دیگری اجازه می خواهم .

رئیس - آقای مکرر اجازه خواسته اند .

مهدی ارپاب - نوبت بنده محفوظ باشد بعد صحبت میکنم .

رئیس - بسیار خوب آقای دکتر اعتبار هم تقاضای صحبت کرده اند .

اسلامی - بنده هم اخطار نظامنامه ای دارم .

رئیس - آقای دکتر اعتبار بفرمائید .

دکتر اعتبار - عرض کنم بنده زیاد وقت نمیگیرم میخواهم بگویم در مورد پرونده آقای عظیمیا رئیس دادگستری بروجد همانطور که عرض کردم آن چیزی که لازم بود بعرض آقایان رساندم و از آنچه که بعرض آقایان رسانیده شد چیزی کمتر یا بیشتر نشده است اینجا آقای مهندس رضوی یک چیزهایی فرمودند فرمودند از رفقای تحصیل کرده من اینجا کارهایی میکنند که من میخواهم بگویم بنده مخصوصاً از ایشان خواهش میکنم و استعفا میکنم آنچه که میدانند بیایند اینجا بگویند تا بنده جوابشان را بدهم .

مهندس رضوی - اگر یشیمان نشدید اطاعت میکنم .

اسلامی - بنده اخطار نظامنامه ای دارم مقدم است

رئیس - برطبق چه ماده ای ؟

اسلامی - مطابق ماده ۴۴ عرض کنم که

بنده تصور نمیکنم که هیچیک از آقایان نمایندگان محترم راضی بشوند که یکمدهای اموال عمومی را که در تحت نظارت دولت است غارت بکنند (صحیح است) هر وقت هم آقایانی اگر هستند که وجدانشان بآنها حکم میکند که فوراً اقدامی بکنند برای اینکه حقوق دولت احیاء بشود بنده طبق مدارک موجود بیکه الان روی میز آقای وزیر عدلیه است آقای گلشائیان هم وزیر عدلیه بودند میدانند آقا تصدیق میکنید یا نه ؟ (گلشائیان - بنده چیزی را که میدانم بطور تصدیق کنم) آقا مقامات رسمی راجع بآن اراضی هدهای چپاول کردند بنده اسم کسی را نمی برم بنده طبق مدارک موجود سه ماه است ، چهار ماه است سؤال کردم شما بیایید جواب بدهید آقا این املاکی که مال دولت است بردند و ملک مطلق مسلم دولت است که نظارش سند مالکیت صادر شده و یک هدهای بین خودشان تقسیم کردند بیائید آقا جواب بدهید و تکلیف این املاک را منین بکنید بنام دولت به نیت بدهید و این املاک را احیا کنید و صدور سند مالکیت بنام دولت بشود نه بنام بنده نه آقا نه نقی نه تقی دولتها اقدام نمی کنند دولتها جواب نمیدهند یک هدهای هم جرأت ندارند که این حرفها را بزنند بنده استعفا میکنم از دولت حاضر که جواب این سؤالهرا بدهد اگر بنده اینجا مهمل میگویم می آیم این حرفهای مهمل خودم را تکذیب میکنم باینکه آقایان نمایندگان محترم آنوقت تصدیق خواهند کرد که چه دزدیها و چه غارتی در این مملکت میشود و هیچکس جواب نمیدهد و اگر دولت جواب ندهد بنده نسبت به بعضی از وزرای حایه و گذشته اعلام جرم خواهم کرد استناد الان روی میز آقای وزیر عدلیه است ، مهمل هم نمیگویم مطابق اسناد عرض میکنم

جمعی از نمایندگان - دستور . دستور .

رئیس - سؤالاتی که میشود البته باید آقایان

وزرا بیایند و هر چه زودتر جواب بدهند . حالا باید وارد دستور بشویم استیضاح مطرح است .

دهقان - آقای رئیس بنده بعد از ورود بدستور اخطار نظامنامه ای دارم .

دکتر مبین دفتری - اجازه ۱۰۹ بنده چه شد ؟
رئیس - ۱۰۹ نوشتن محفوظ است بعد میتوانی بفرمائید آنهاهم البته جزه دستور است قبل از دستور که نمیشود . آقای طباطبائی .
عباس اسکندری - آقای رئیس استیضاح باید مطرح بشود .
رئیس - آقایان وزراء صحبتهایی دارند بعد هم استیضاح مطرح میشود .
معاون نخست وزیر (آقای طباطبائی) - خواستم بعرض آقایان نمایندگان محترم برسانم که گفتگو هایی که در خارج مجلس شورای ملی چه بین آقایان تجار و چه در روزنامه ها راجع بتصویب نامه ای که آقای اردلان شرحی در اطراف آن صحبت کردند میشود مورد توجه خاص جناب آقای نخست وزیر هست . دیروزه هم چند نفر از آقایان نمایندگان محترم اطلاع دارند که قسمتی از وقت آقای نخست وزیر صرف رسیدگی به همین موضوع شده بود و این طور هم مقرر داشته اند که چند نفر از تجار مطلع و مورد اعتماد و چند تن از آقایان نمایندگان که اطلاع دارند و صلاحیت آنها دارند که در این کمیسیون باشند دعوت بکنیم که در این باب دقت بیشتری بعمل بیاید حالا که اینجا صحبت شد ، آقای وزیر دارائی هم موافق هستند که اگر لازم بدانند آقایان از فرآکسیونهای مختلف مجلس از هر کدام دو نفر انتخاب بفرمائید آقای وزیر دارائی هم حضور خواهند داشت (صحیح است) این موضوع در مجلس هم با این فرمول رسیدگی بشود (دکتر متین دفتری - این کار باید قبلاً شده باشد حالا باید جواب رسمی بدهند) خوب اگر قبلاً هم نشده باشد آقایان البته اجازه میفرمائید که عرض کنم این مطلب هم مورد توجه کامل دولت است و هم مخصوصاً خود جناب آقای نخست وزیر در این دو سه روز اخیر کمال توجه را باین موضوع کرده اند و دارند و حالا هم برای اینکه هم ذهن آقایان نمایندگان محترم بخوبی مستحضر بشود و یک نظریاتی که دولت داشت بدهد و دولت هم بتواند از نظریاتی که هست کاملاً استفاده بکند و اگر لازم بداند موافقت بفرمائید یک همچو کمیسیونی در مجلس تشکیل بشود
صدرزاده - با رویه پارلمانی وفق نمیدهند این کمیسیون

۲- تقدیم لایحه راجع بتأسیس صندوق های تعاونی روستائی و انجمن های کشاورزی و استرداد لایحه قبل از طرف آقای وزیر کشاورزی
رئیس - آقای وزیر کشاورزی
وزیر کشاورزی (آقای دکتر مقبل) - لایحه ای است راجع بتأسیس صندوقهای تعاونی روستائی و انجمن های کشاورزی که تقدیم می شود (یکتفر از نمایندگان - بسیار خوب است) مقدمه این لایحه بسیار مختصر است و تمنی میکنم اجازه بفرمائید قرائت شود (بفرمائید) چنانکه شاطر نمایندگان محترم استحضار دارد پیشرفت کشاورزی منوط بیک سلسله اقدامات اجتماعی است تازه همین و کشاورزان پاراحتی خیال بامر کشاورزی مشغول شده و موجب آبادی کشور شوند .
برای پیشرفت این منظور دو اقدام اساسی

ضروری است یکی اینکه مالکین شعباً بامرزات مبادرت و سرکشی و اگر نمیتوانند تربیتی در نظر گرفته شود که اراضی و املاک بلا استفاده نماند و حد اعلائی نتیجه از این گرفته شود این نظر مورد مطالعه دولت بوده و بعد ضمن لایحه جداگانه تقدیم مجلس شورای ملی خواهد شد ثانیاً خود کشاورزان و مالکین در پیشرفت امر زراعت سهم و دخیل باشند و مخصوصاً کشاورزان در موقع احتیاج از کمکهای مالی وقتی بهره مند گردند

رئیس - آقا نامل بفرمائید اکثریت نیست (پس از چند لحظه همه کافی شد) بفرمائید.

وزیر کشاورزی - اینک بوجوب لایحه ای که تقدیم میشود برای بهبود حال روستائیان در هر بخش صندوقهایی با اسم صندوق تعاون تأسیس خواهد شد که سرمایه آنها توسط مالکین و کشاورزان تأمین گشته و وسائل کشاورزی و زندگی زار همین راز از حیث سرپرستی اشخاص بی بضاعتی که قوه کار ندارند و از حیث تأسیس دبستانها و دارو خانه ها و مریضخانه ها و تأسیس شرکتهای تعاونی روستائی جلو گیری از تعدیات رباخواران و واسطه های ماملات دادن و امروستائیان برای تهیه بذرها و کار - تنقیه قنوات بکار انداختن ماشینهای کشاورزی، اجرای بیمه های کشاورزی اصلاح اقامه واحشام دفع آفات نباتی و حیوانی و بطور کلی حفظ حقوق دهقانان فراهم سازند در همان حال صندوقهای مزبور وظیفه انجمن کشاورزی بخش را نیز انجام داده و بامامورین کشاورزی همکاری کنند .

علاوه آن تقاضای تصویب این لایحه را که مشتمل بر ۱۷ ماده است بمینماید و لایحه ای را که دولت وقت در دیماه ۱۳۲۴ در همین باب تقدیم مجلس شورای ملی نموده است مسترد میدارد .

باحتیاج لازم میدانم که یاد آوری کنم نظامنامه داخلی مجلس تصریح دارد که وقتی استیضاح مطرح تعیین وقت شد مجلس باید رأی بدهد و استیضاح مطرح شود . مفهوم این بیان این است که نه وکیل و نه وزیر وقتی دستور مجلس استیضاح است هیچ صحبت دیگری نمیتوانند بکنند . چرا ؟ برای این که وقتی که دولتی مورد استیضاح است اگر اکثریتی که پشتیبان آن دولت است بخواهند جلو حرف استیضاح بکنند را بگیرند میتوانند پیشنهاداتی بکنند و بعد برای اکثریت مفاطم میشود و بجای اینکه در آن موقع لازم استیضاح بشود دو سال بعدش هم نمیشود این را قانونگذارانی که بسیار هم فهمیده تر از ما بودند پیش بینی کردند که حق اقلیت محفوظ بماند ولی خوب ، گذشته است ، اگر در جلسه قبل هم ببنده اجازه میدادند بنده با همین توضیح اصلاً رفع اشکال میکردم و همچنین این نکته را مکرر بعرض آقایان نمایندگان رسانیده ام که موافقین دولت به هیچ صورتی جزور قوه بکوبد نمیتوانند سلب مسئولیت کارهای دولت را از خودشان بکنند مدرس شهید در پشت همین کرسی خطاب به گفت خدا سعایفه را لعنت کرده و چون یکی از آن موارد مورد بحث ماست آن دو نای دیگر را منصرف می شود میگوید کسی که نوکرش بد است و همی دانما از دست او گریه و زاری میکند گفت نمیخواهی بیرونش کن (صحیح است) می دانما یک کسی با این دستش ورده سفید میدهد بدولت و از طرف دیگر می گوید این کار خلاف قاعده را کرده ای خوب آقایان مسئولش شما هستید ، چرا رأی دادید که کار خلاف قاعده بکنند ؟ اگر رأی دادید که خلاف قاعده بکنند دیگر حق داد و فریاد ندارند اگر دیدید که کار خلاف میکنند بگوئید بروید وروره قوه بکوبد بدهید . این حق مخالفت ، حق استیضاح ، حق سؤال مال اقلیت مجلس است که در اکثریت ، در بند و بست هاد در پشت هم اندازها دخالت ندارند .

دهقان - بنده اخطار نظامنامه ای داشتم رئیس - در چه باب؟

دهقان - در باب قطع نطق و کلا ، بنده در جلسه سابق مجلس شورای ملی سؤالی را جمیع به نفع آقای وزیر دارائی نکردم و در اینجا هم مشغول اظهار بیانات خودم بودم که مجلس از اکثریت افتاد و حق این بود که در جلسه بعد بمن اجازه داده میشد که بیانات خود را ادامه بدهم ، البته اجازه بمن داده نشد و من ناگزیر شدم از این حق خودم که ترضیح شده است دفاع بکنم و عرض بکنم که آقای اسکندری اینجا گفتند که سؤال بنده ، پس از استیضاح ایشان داده شده و در یکی دوتا روزنامه فرض هم یک همچو مطلبی نوشته شده بود تذکر بدهم و روشن کنم که سؤال بنده روز قبل از استیضاح آقای اسکندری داده شده بود و چون میخواهم وقت مجلس را ترضیح کنم و آقای اسکندری هم سؤال مرا در استیضاح خودشان نوشته اند البته مطرح می شود و باید آقای وزیر دارائی جواب بدهند اما اگر جواب مقنی باشد من هم قانع میشوم و باین وسیله وقت مجلس هم ترضیح نشود . بنده میخواستم مخصوصاً تصریح کنم که سؤال بنده در روز قبل از استیضاح آقای اسکندری داده شده بود .

۳- طرح استیضاح آقای عباس اسکندری
رئیس - آقای اسکندری .

عباس اسکندری - بنده قبل از شروع

حضور پیدا کنند و الا بعضی از مواردی هست که اگر وزیری جوانی بدهد از نظر مسئولیت مشترک خودش است آقایان وزراء از نظر مسئولیت مشترک خودشان و کاری که متعلق بوزارتخانه خودشان است ممکن است جواب بدهند . آقای طباطبائی هم نمی توانند جواب بدهند زیرا در نظامنامه تصریح دارد در موقع استیضاح شخص وزیر یا نخست وزیر باید جواب بدهد وزراء هم در همه حال باید حضور داشته باشند در این مورد با کمال تأسفی که من دارم و آقایان باید از بیانات ایشان استفاده کنند در این موضوع نمیتوانند صحبت کنند . ما در صحبت هائی که در اینجا میکنیم صرفاً از نظر حفظ مناقع کشور است و طبیعی است در ضمن صحبت های ما اگر مطالبی اظهار میشود راجع بممالک متحده آمریکا شمالی یا اتحاد جماهیر شوروی یا امپراطوری بریتانیای کبیر هیچ از نظر مخالفت ما با این دولتها نیست ما از نظر حفظ مناقع کشور خودمان صحبت میکنیم و من بهترین روز خوشی این مملکت را با حفظ احترام حقوق متقابل روزی میدانم که با این کشورهای بزرگ ما بتوانیم در کمال دوستی زندگی کنیم بعد آنها بتوانند بسا کمکهای مفید را بکنند برای اینکه آقایان نمایندگان خودشان را حاضر بکنند برای مطالب مهمی که گفته می شود مجبورم بگفته ام آقایان را بسوابق گذشته هایتان بگویم باید در مابینگان مجلس شهادت و از خود گذشتهگی باشد (صحیح است) باید ملتی که میخواهد زنده بماند باید حاضر برسد باشد (صحیح است) مرد بزرگی که در وزیر زنجیر استبداد در باغ شاه کشته شد قاضی قزوینی معروف بقاضی ارداف ای این بقدری بزرگی و شهادت داشت که زنجیر بیدادگری بگردنش بود و ما مورین بریکارد فراق میزدند او را باشلاق و در آنجا غذا بهشان نمیدادند آب بهشان داده نمی شد تمام ناراحتی را داشتند عملی کرد آن هم زنجیرهای خودش را یک خطابه مفصلی ایراد کرد بعد از آن خطابه هم او را جدا کردند شب بردند زنجیر بدستش کردند فرهاد بواسطه زیاد حرف زدن گفتند مرد خوب گفتند مرد (خنده نمایندگان) او در مقدمه بیانش میگوید :

درد وطن نیست در این خلق دون
اما تری اکثر هم خامدون
خیر القرون آمده شر القرون
قد ملاء ارض بما یفسدون
هیهات هیهات لدا توعدون - دیک غرض بر سر بار آمده - دزد و دغل مصدر کار آمده - شیخ بلد پاد کسار آمده . و الناس من افعالهم واقفون - بالاخره مفصل است این مقدمه است همه میدانند که چه میکردند و چه میکنند بنده می واستم از مقام ریاست تقاضی کنم دستور بفرمائید تلفن بکنند آقایان وزرائیکه بنامه اند چون استیضاح مربوط به همه هیئت دولت است حضور بفرمائید چرا یک ملت هائی در یک روز هائی باوج عظمت میرسد موفقیت پیدا میکنند و چرا همان ملتها روزی در حقیقت قوتانی میافتند ؟ برای اینکه بفهمیم و بدانیم چرا از مردم بزرگ که امروز در دنیا هست تمام یا صدی هشتاد آن متحد از قوانین این کشور است و توانست تمدن خودش را در تمام قسمت جنوبی اروپا و آفریقا و آسیا نشر دهد ،

ایندولت و این کشور با انحطاطی گرفتار شد که در روزگار های بدی افتاد و دچار حمله بعضی اقوام وحشی شد روزی که آزاد میردی خودش را میخواست حفظ کند روزی که اجازه بجزایران و مستخرکان نمیداد که در امور او مداخله کنند موفقیت داشت . همین رم ، همین سنای رم رفتیکه دید سزار میخواست حقوق او را زیر پا بگذارد در همانجا یکی از وکلای سنا او را کشت از برای اینکه کسی فکر نکند و تصور نکند که حقوق مردم را میشود از بین برد (صحیح است) ولی همین رم بزرگ رم با عظمت در زیر دست و پای « نرن » آزادی ، هستی و همه چیز خودش را از دست داد ، « نرن » که امروز بنده از دوهزار سال تاریخ او را در چند کلمه یاد میکنم که چه جور بود این آمد این مردم منحط هم که هر چه اومی گفت گوش میکردند کار بجائی رسید که فیلسوف بزرگ زمان « سنک » که استاد خود او بود در یکی از روز هائی که برای تفریح خودش سیرک بزرگ رم را افتتاح میکرد و جزو مراسمش این بود که کسانی را که بدین هوسی در آمده بودند میانداخت در چنگال شیرها و حیوانات وحشی رویش را کرد به « سنک » که دست بسینه جلوی او ایستاده بود گفت من نمیدانم که چرا بین تمام این صداها فقط از این صداخوشم می آید ، از صدای این غلام که در زیر دست و پای این شیر - ارد دست و پا می کند ، من از این خوشم می آید فیلسوف دوره انحطاط گفت اجازه میفرمائید قربان دیگری را بیاورند که بیشتر ملذذ بشود ؟ هیچ آواز بلند نبود بخواست ، صدای او در تاریخ می نویسد مثل صدای دو مس را چه جور بهم میریزند صدایش این طور بود . این آمد و در آن یونان بزرگ رفت در تأثر و گفت من می خواهم آواز بخوانم ساز بزنم همه مردم میدانستند که او آواز بلند نینس ساز بلد نیست خودش هم که میدانست آمد آنجا برهنه و تقریباً نیمه مرغان ایستاد جلو مردم آن آوا را خواند و آن سازی که بلند بود زده گفتند بهتر از این ممکن نیست و اتفاقاً چه خوب میخوانید هتصد تاج افتخار دادند (مکی - تاج افتضاح بود) پس از روزها دلش خواست نشان بدهد که تا چه اندازه این مردم پست و لیل ندانند رؤسا و رجال آنها را دعوت کرد در روی تپه ها « کابیتول » که مشرف بشهر رم بود اینها آمدند آنجا نشستند و پایه نقاشی خودش را گذاشته بود نقاشی بکنند می هم بلد نبود در این ضمن سرو صدائی بلند گفتند قربان دود است چه خبر است شیر ؟ میروند گفت خبری نیست گفتند آتش گرفته شهر گفت چه بهتر من می خواستم دور نمایم از آتش روزی طبیعت بسازم . بدمه موم شد خودش دستور داده بود که شهر را آتش بزنند تا ببینند در نقاشی چه جور آتش واقع میشود . این مردم بی حس و این رجال از بین رفته دعوت شدند در قصر « نرن » خیلی به آنها احترام کرد خیلی خوش بودند بعد از شام « نرن » رفت اینها در آن تالاری نشسته بودند دیدند یک کمر تپه از سقف مقداری گل ریخته شد بکمر تپه همه هورا کشیدند بالاخره آنقدر گل آمد زیر دست و پای آنها آنها رفتند روی گلها این گلها آمد تا زانوی آنها و همین طور گل آمد تا سقف بالاخره این ها با التماس افتادند ولی زیر گلهادفن

شدند یکی از تفریحاتش بود در مدت ۱۴ سال شب و روز مردم در برابر او تنظیم و تکریم کردند او هم آنچه توانست از اینکار ها کرد ولی همین مردم روزیکه خواستند آن زنجیرها را بشکنند در سنای رم بکنند بنده شد و یاد آور شد برای آنها دوران عظمتشان را و پیشنهاد کرد و گفت پیشنهاد میکنم که نرن باید خارج از تمام قوانین مملکت باشد یعنی او مردود است و باید دستگیر شود و محاکمه بشود ، همان مردم ، همانهایی که در زیر دست و پا ناله میکردند و فریاد میکردند اینها دو مرتبه دارای همان حس شهادت شدند و تاریخ مینویسد سر نوشتش چه شد خوراک سگها شد امپراطوری سلیمان و سقوط اورشلیم هر دو در موضوع روشن و برجسته است همان مردمی که دارای عقاید روحانی و مذهبی و حفظ اصول بودند نتوانستند آن حکومت برجسته و بلند و معروفی را که می بینیم هنوز در امثله مردم رایج است که میکوبند حکومت سلیمان در صورتیکه فقط در کناره مدیترانه بود و بعد بقدری بد کردند و بقدری پستی و بدکاری در آن قوم رسوخ کردند که بیغیر بزرگ بنی اسرائیل پیش بینی کرد و گفت که شما بجائی خواهید رسید که پایتخت شما خون از دیوارهایش خواهد ریخت از امیاء ، اشعیا که چرا بین تمام این صداها فقط از این صداخوشم می آید ، از صدای این غلام که در زیر دست و پای این شیر - ارد دست و پا می کند ، من از این خوشم می آید فیلسوف دوره انحطاط گفت اجازه میفرمائید قربان دیگری را بیاورند که بیشتر ملذذ بشود ؟ هیچ آواز بلند نبود بخواست ، صدای او در تاریخ می نویسد مثل صدای دو مس را چه جور بهم میریزند صدایش این طور بود . این آمد و در آن یونان بزرگ رفت در تأثر و گفت من می خواهم آواز بخوانم ساز بزنم همه مردم میدانستند که او آواز بلند نینس ساز بلد نیست خودش هم که میدانست آمد آنجا برهنه و تقریباً نیمه مرغان ایستاد جلو مردم آن آوا را خواند و آن سازی که بلند بود زده گفتند بهتر از این ممکن نیست و اتفاقاً چه خوب میخوانید هتصد تاج افتخار دادند (مکی - تاج افتضاح بود) پس از روزها دلش خواست نشان بدهد که تا چه اندازه این مردم پست و لیل ندانند رؤسا و رجال آنها را دعوت کرد در روی تپه ها « کابیتول » که مشرف بشهر رم بود اینها آمدند آنجا نشستند و پایه نقاشی خودش را گذاشته بود نقاشی بکنند می هم بلد نبود در این ضمن سرو صدائی بلند گفتند قربان دود است چه خبر است شیر ؟ میروند گفت خبری نیست گفتند آتش گرفته شهر گفت چه بهتر من می خواستم دور نمایم از آتش روزی طبیعت بسازم . بدمه موم شد خودش دستور داده بود که شهر را آتش بزنند تا ببینند در نقاشی چه جور آتش واقع میشود . این مردم بی حس و این رجال از بین رفته دعوت شدند در قصر « نرن » خیلی به آنها احترام کرد خیلی خوش بودند بعد از شام « نرن » رفت اینها در آن تالاری نشسته بودند دیدند یک کمر تپه از سقف مقداری گل ریخته شد بکمر تپه همه هورا کشیدند بالاخره آنقدر گل آمد زیر دست و پای آنها آنها رفتند روی گلها این گلها آمد تا زانوی آنها و همین طور گل آمد تا سقف بالاخره این ها با التماس افتادند ولی زیر گلهادفن

دربار عاصی و باقی رماندند حیث مدیره تشکیلات
 شد و مجلس بعد بوجود آمد. ایران گرفتار کشمکش
 دو سیاست خارجی - روسیه تزاری و امپراطوری
 انگلستان بود. هیچگاه مادرانجان نظر نداریم که چنانچه
 برای عظمت خودشان برای سیاست استعماری خودشان
 قدم بر میدارند، شامه اگر روزی قوی شدید شاید
 فکر کنید اگر ملت‌های دیگر از اصول شما تبعیت
 بکنند آنها کامیاب هستند پس شامه میرویدیک
 امپراطوری برای خودتان تشکیل میدهند. موضوع
 این نیست اما آنچه میگویم از نظر وضعیت کشور خودمان
 است، ما باید از آن آذربایجانیهائی که در محاصره مجبور
 بودند بجای غذا و نان که نداشتند، حتی که میخوردند
 پوست میخوردند و میبردند از شدت گرسنگی و
 مقاومت میکردند، از آنها باید در اینجا یاد آوری
 کرد که مردم دیگر هم بدانند اگر ایستادگی کردند
 از آنها بادی خواهد شد، بالاخره کامیاب شدند دو
 مرتبه مجلس بیاید اما آن دو سیاست نمیگذاشت مردم
 آرام بگیرند. یکی از روزها محمد علی شاه بنام
 خلیل پنداری وارد خاک ایران شد در گمش تپه
 ترا که نسبت باو تبعیت کردند قوای زیادی هم
 از طرف غرب بریاست برادرش سالارالدوله از یک
 طرف و شامع السلطنه از طرف دیگر آمدند و در
 چهار فرسخی تهران در رباط کریم قوای پادشاه باقی
 سی هزار نفر، چهار هزار نفر بریاست سالارالدوله و
 برادرش آمدند بهمین رباط کریم ارشدالدوله آمد
 بورامین، اما زاده جعفر ورامین با سه هزار - رشید -
 السلطان که یکی از رؤسای قوا بود آمد سمنان
 را تصرف کرد - آنان در بایگانی مجلس لشکراف
 پادشاه باقی و برادرش سالارالدوله هست که مابرای
 خدمتگذاری مملکت آمده ایم - چون این عبارت معمول
 و مصطلحی است، هر کاری میکنند از لحاظ حمایت
 از مملکت است .

گفتند ما آمده ایم برای خدمتگزاری مملکت
 اوضاع بد است ، اوضاع ناگوار است ، آمده بودند
 اوضاع بدی را که خود موجود آن بودند تمشیتی بدهند
 در تهران هیچ قوایی نبود یعنی ۳۵۰ نفر بختیاری
 بود ، بختیارها خدمات بزرگی در مشروطیت ایران
 کرده اند و من امید وارم که جوانهای امروز هم
 یادی از پدران شان بکنند (یکی از نمایندگان -
 فراموش شده) نه اتفاقا داریم خوب ایشان هست -
 ۳۵۰ تا بختیاری داشتیم در تهران بکسده قوای
 شهربانی ، نظمیه آنوقت ، بریاست بیرم بود جمعا
 قوای اینها ۱۴۰۰ الی ۱۵۰۰ نفر بیشتر نبود و
 قوایی که علیه حکومت مرکزی بود در حدود ۶۰
 هزار نفر از ایلات و عشایر و مردم شهری آمده
 بودند (حاذقی ، انصاف بدهید که اینها هم راجع
 بنفت است ؟) اینها را میگویم تا شما بدانید که
 راجع بنفت است آقای حاذقی من بشما یکدفعه دیگر
 میگویم اگر در صحبت من صحبت کردید من از ادب
 خارج شدم دیگر گله نکنید .

رئیس - اینها نواقص نظامنامه است در استیضاح
 و همین طور در بودجه و برنامه مطابق نظامنامه میتوانند
 صحبت کنند .

عباس اسکندی - این برای این
 است که آقایان نمایندگان را بکفندی تشجیع بکنم
 چون وسیله دیگر ندارم باید بگویم که ۳۰ هزار نفر را

هم میشود جلوش ایستاد اینها مثال است (دکتر مجتهدی)
 شما باید ملت ایران را تشجیع کنید) خوب من
 خیال می کردم که شما نماینده ملت هستید (دکتر
 مجتهدی) اگر ملت ایران تشجیع شده بود شما در پشت
 این تریبون نبودید (صحیح می فرمائید این را صحیح
 میفرمائید برای آنکه من صحبت که کردم از آذربایجانیهائی
 آنوقت شاعر بین آنها نبودید بالاخره در طهران در
 مقابل این ۱۵۰۰ نفر یک قوای منظم مثل آسایش
 ملت ایران و آزادبخواهان بود آن بریکاد قزاق بود
 ۲۸۰۰ نفر بریکاد قزاق هر دقیقه منتظر بود سکه
 ببیند سن بطرز بزرگ چه دستور میدهد مملکت در
 پشت همین کرسی خطاب آن و کلای باشعاعتی که
 از آنها گفتم باید نام برد و مردم بدانند مردانی در
 روی این صندلیها نشسته بودند آمدند و سر این
 پادشاه عاصی و باقی را قیمت گذاشتند صد هزار
 تومان اینها در بایگانی مجلس هست که هر که زنده
 محمد علیشاه را بیارند یا سر او را بیارند صد هزار
 تومان بهش میدهم برای برادرهایش ۲۵ هزار تومان
 میدادند . میدانید چه خطری متوجه آنها بود ؟ ؟
 از چهار فرسخی آمده بودند بهر آباد و معلوم بود
 اگر میآمدند اینها را چه جور تکه تکه میکردند ؟
 نرزی بودند همین مقاومت و همین فرمان مجلس که بدست
 پسر عمان پادشاه با مضاع رسید چون آن پادشاه پسر
 پدر نبود پدر مملکت بود ، هیچ فکر نمیکرد که
 پدرش چه میکند ، بردند بهش دادند گفتند فرمان
 مجلس است امضاء کرد هم و پدرش ، وقتی که این
 خبر رسید بان قوای باقی طاقی گفتند این خبری
 که رسیده لابد یک خبر دیگری هست که ما خبر
 نداریم والا چطور این عده شصت هفتاد نفری جرأت
 کرده اند که سر ما را قیمت گذاشته اند و فرستاده اند برای
 ما آن قوای سه هزار نفری هم رفتند ارشدالدوله را محاصره
 کردند اتفاقا او رفتند و مجروح شد قوای سالارالدوله
 هنوز جنگ نکرده چنان رفتند که قوا ندید سر کرده
 کجا است از کرمانشاه رد شدند هنوز اینها وسط
 راه بودند رشید السلطان گرفتار شد تیر باران شد
 طهران یکی از آن چراغانی هائی راست و درست
 را بغاطر داود که آوردند جنازه ارشدالدوله وادر
 همین میدان توخانه گذاشتند و مردم از جلو ایشان
 رد شدند و دیدند که یک مردانی وقتی اراده کردند
 میتوانند کار صحیح خودشان را انجام بدهند این
 همان طهرانی بود که در دو سال قبلاش بایک عده کمی
 بریکاد قزاق مجلس را داغان کردند و همان
 مردم هم نگاه می کردند مقصود من این است
 که مردم عوض نمیشوند مردانی لازم است که حقیقت
 را بگویند و احساسات مردم را حاضر کنند در راه
 حقیقت بیرند این از این نظر ارتباط دارد آقای حاذقی
 خوب این یک قدم کوچکی بود در برابر قدم دومی
 که همین مجلس جاویدان ما (چون اسم مجلس دوم
 را تاریخ ایران مجلس جاویدان نهاد) دولت روسیه
 تزاری که قصد جهانگشائی داشت و ایران را یکی
 از خوراک های خود میدانست و با انگلستان هم
 ایران را در «روال» در کنار دریای پالتیک تقسیم
 کرده بود اولتیماتومی بدولت ایران دادند و
 مدت گذاشتند در ظرف چهار و هشت ساعت
 این حکومت را اگر نپذیرفته ما بابتعت شما را

اشغال میکنیم قوای روس از کرج تجاوز کرد بست
 طهران همین جائی که این وزیران نشسته اند جناب
 آقای دهقان بیخشد شما اگر عقب هستید اشتباه
 نمیشود گفتند که ما توصیه میکنیم دولت به مجلس
 توصیه میکنند که این اولتیماتوم را قبول بکنند این
 التیماتوم خارج کردن مامورین آمریکائی شوستر
 و سایرین بود از ایران و بعد قبول کردن کنترل
 نام و تحویل یک عده اشخاصی از آزادبخواهان ودر
 تبریز هم نفع الاسلامی را گرفتند و دازدند و یکدعه
 از آزادبخواهان را گرفتند و دار زدند این عملی
 بود که کردند دولت هم برای بقای خودش برای
 اینکه چند روزی زوی این صندلی های لرزان
 زمامداری بشینند گفتند یک مملکتی یک ملتی از
 بین میروند اهمیتی ندارد و پیشنهاد کردند که قبول
 بکنید چون همان قضایای آذربایجان و همان قضایای
 گیلان در طهران خواهد شد . در همین مجلس
 می گفتند محض رضای خدا بما رحم نمی کنید بخودان
 رحم کنید تمام آن و کلا بجای اینکه رأی مغفی
 رأی ورقه از این صحبت ها نبود یک یک آمدند پشت
 کرسی خطاب گفتند ما این التیماتوم را قبول نداریم
 با اتفاق رد کردند (مکی - اول مرحوم خیابانی بود)
 باید در اینجا تکرار بکنم که آقای حکیم الملک
 حکیمی یکی از وزرای آن حکومت هستند که آمدند
 بمجلس گفتند قبول کنید طبق سند موجود مجلس قبول
 نکرد و رفتند و برای سلامت خودشان پیشنهاد کردند
 نایب السلطنه مجلس را تعطیل کند آمد چند تا از انداز (خوب
 شما ها که اسلحه ندارید اسلحه شما بیان شما و از
 خود گذشتگی شما باید باشد (آمدند بیرون کردند
 و کلا را از مجلس چندتا از این گذارد و ژا ارمها
 گذاشتند گفتند بروید بی کار خودتان برو کلا
 رفتند اینها هم همانطور که گفتم یکیش
 حکیم الملک بود نوشتند ما این التیماتوم
 داریم قبول کردند یعنی در حقیقت دستها
 خون نفاق اسلام ها فرو کردند تا مرفق
 آنها بیخود ایستادگی کردند برای اینکه چند
 زندگی کنیم یک چندهن برنج بیشتر بخوریم به
 که این را قبول کنیم قبول کردند و اگر جنگ
 ۱۹۱۴ بوجود نیامد این اشخاص موافق میشد
 طومار سیاسی این کشور در هم بیچیده بشود ولی
 بالاخره خدائی دارد و کشتی شکسته ضمنا هم ناخدائی
 (اکثریت نیست)

۴ - تعیین دستور و موقع جلسه بعد
ختم جلسه
 رئیس - پیشنهادی هم برای تنفس رسیده
 (صحیح است) حالا هم عده کافی نیست بیرون هم
 کسی نیست (حاذقی - خبر کنید بیایند) کسی نیست که
 بیاید . جلسه را ختم میکنیم جلسه آینه روز یکشنبه ساعت
 ۹ و تا ۹ هم اینجا خواهیم بود اجازه ۱۰۹ آقای
 دکتر متین دفتری هم معفوظ است .
 (نیساعت بعد از ظهر جلسه ختم شد)
 رئیس مجلس شورای ملی - رضا حکمت